



سیامک فاجاریونلو

وکیل دادگستری و پژوهشگر در حقوق توسعه

حدادعادل گفت: «کشور به این جراحی اقتصادی نیاز داشت. هیچ مرضی به خاطر سختی جراحی از دکتر که روگردان نمی‌شود! مرضی اگر سختی این جراحی را تحمل نکند «خوب» نمی‌شود. بعضی وقت‌ها لازم است که بیمار جراحی شود.»

این سخن، توجیه مکرر مسئولانی است که هرازگاهی در نقش پزشکی حاذق، شوکی بزرگ به معیشت خانواده‌ها و اقتصاد کسب‌وکارها و ثبات اجتماعی وارد کرده‌اند، ولی آیا مطمئن هستید که این‌ آخرین جراحی است؟ ملتی که سال‌ها در حال جراحی‌شدن توسط پزشکان داخلی و خارجی است، دیگر چه از وجودش خواهد ماند؟ چه امیدی دارد که به نسل خود بیفزاید؟ بیش از یک دهه قبل فقط به این دلیل که رئیس دولت تحریم‌های سازمان ملل را کاغذپاره خواند، زندگی و کسب‌وکار مردم توسط پزشکان خارجی جراحی شد. در کارزار ریاست‌جمهوری آمریکا با وجود اینکه احتمال زیادی می‌رفت ترامپ پیروز انتخابات باشد و از

جعفرزاده ایمن آبادی در گفت‌وگو با «شرق» از واکاوی اصلاح اقتصادی کشور می‌گوید

راه انتقاد را بر دلسوزان نظام نبندیم

معصومه معظمی: این روزها به هرا جا سرک می‌کشید، صحبت از حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت کالا‌های اساسی است؛ تصمیمی که اگرچه برخی کارشناسان آن را درست می‌دانند اما معتقدند زمان مناسبی برای اجرای آن نیست. غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی، نماینده دو دوره نهم و دهم مجلس که اقتصاد و برنامه‌ویودجه را به‌خوبی می‌شناسد، در گفت‌وگو با «روزنامه شرق» ضمن واکاوی این تصمیم دولت، تأکید دارد که این اقدام، تصمیمی برای تأمین کسری بودجه دولت است. او که منتقد جدی عملکرد اقتصادی دولت است اما شخصیتی متفاوت از کابینه برای رئیس‌ی قائل است و او را شخصیتی می‌داند که دیگران زیر پایش پوست خریزه انداخته‌اند. جعفرزاده اعتقاد دارد نباید برای چنین اقدام مهم اقتصادی‌ای به‌جای کلمه «اصلاح»، از عبارت خشن «جراحی» استفاده شود. عضو کمیسیون برنامه‌ویودجه مجلس دهم به «شرق» گفت وقتی دولت با ابرچالش‌های زیادی مواجه است، دست گذاشتن روی حذف ارز ترجیحی کالاها، اولویت نیست و باید در این زمینه دست به عصا‌تر حرکت کرد. این کارشناس اقتصادی درنهایت از رئیس‌ی خواست راه انتقاد را بر دلسوزان نظام نبندد؛ چراکه آنها دلشان بیش از دیگران برای نظام و انقلاب می‌سوزد. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی «شرق» با غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی، نماینده مردم رشت در مجلس نهم و دهم مجلس است.

◆ نظر شما درباره حذف ارز ترجیحی از کالا‌های اساسی چیست؟

اگر بخواهم با صراحت درباره حذف ارز ترجیحی صحبت کنم، باید بگویم که دولت دراین‌باره صرفا خودش را دیده و این اقدامی برای تأمین کسری بودجه است. دولت برای حذف رانت و قاچاق، راحت‌ترین راه، حذف صورت‌مسئله را انتخاب کرده است. البته من مخالف حذف ارز ترجیحی نیستم اما اجرای آن با این سرعت را دارای تبعات زیادی می‌دانم.

من لیستی بلندبیل‌ا از ابرچالش‌های دولت در حوزه اقتصاد تهیه کرده‌ام که آنها را در پیش‌رو خواهیم داشت اما چطور می‌شود که یکباره به سراغ مشکل صدم که همان حذف ارز ترجیحی است، می‌روند. نکته دیگر به کار بردن عبارت «جراحی» اقتصادی به‌جای «اصلاح» اقتصادی است. به فرض اینکه بخواهیم به کالبد دولت وارد شویم و کاری را انجام دهیم، چرا از عبارتی خشن مثل «جراحی» استفاده کنیم؟ می‌توانیم بگویم اصلاحات اقتصادی. در اصلاحات اقتصادی دولت خودش بسترهایی دارد و اگر جراحی هم مطرح باشد، باید خودش را جراحی کند، نه اینکه اول کار به سراغ مردم برود. چرا دولت با مردم شفاف حرف نمی‌زند و نمی‌گوید کمبود ارز داریم و به دلیل کسری بودجه، ارز ترجیحی کالا‌های اساسی را حذف کرده‌ایم؟ آقای رئیس‌ی زمان بودجه ۱۴۰۱ در مجلس گفت بودجه‌ای به مجلس ارائه کرده‌ایم که کسری ندارد. اما هفته اخیر در برنامه‌ای تلویزیونی گفت ۴۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه داریم، این تناقض ناخوشایند است.

◆ اما دولت چنین چیزی را قبول ندارد!

بله همین‌طور است. دولت نمی‌گوید این تصمیم به دلیل نبود ارز است بلکه می‌گوید به دلیل قاچاق کالا و وجود رانت‌خواران دست به این کار زده است. معتقدم کمی بزرگ‌نمایی از فساد، قاچاق و مافیای توسط دولت انجام شده است.

◆ گفتید لیستی از چالش‌های اقتصادی که دولت پیش‌رو دارد تهیه کرده‌اید. از این چالش‌ها برایمان بگویید؟!

در اقتصاد ایران با ابرچالش‌های بزرگی مواجهیم که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. معضل حفظ محیط زیست در حوزه‌های فرسایش خاک و کاهش آب سفره‌های زیرزمینی، فرونشست‌های منطقه‌ای و آلودگی مخرب هوا و ریزگرد‌ها، دفن ناصحیح زباله و ورود شیرابه سمی به سفره‌های آب زیرزمینی، کاهش پوشش سطحی در دامنه تپه‌ها و کوه‌ها به‌عنوان عامل اصلی وجود سیلاب‌های منطقه‌ای و محلی، خشک سالی منطقه‌ای و رودخانه‌های آلوده به فاضلاب‌های صنعتی، خشک‌شدن دریاچه‌های منطقه‌ای و پایین‌آوردن سطح آب دریاها و خشک‌شدن آن، قطع یخ رویه درختان و قاچاق چوب و کاهش سطح جنگل‌ها، وجود ۱۸ صندوق بازنشستگی وابسته به بودجه دولت، کسری بودجه دولت سیزدهم در لایحه غیرکارشناسی بودجه ۱۴۰۱ در سایه نبود برنامه پنج‌ساله هفتم، نداشتن برنامه برای اصلاح نظام بانکی و... . یعنی دولت در حال انجام اصلاحاتی است و مجلس سؤال نمی‌کند که چه برنامه‌ای این کار را انجام می‌دهید؟ متأسفانه در طول همه سال‌های قبل و بعد از انقلاب تنها سال‌هایی که کشور بدون برنامه اداره شده، همین دو سال اخیر است که از ضعف دولت و مجلس فعلی به شمار می‌رود.

◆ چطور ممکن است کشور را بتوان بدون برنامه اداره کرد؟ اداره کشور بدون برنامه دقیقاً همین خروجی را دارد

که پیش‌ش رو است. دولت هنوز برنامه‌ای برای اصلاح

نظام بانکی، اصلاح مالیاتی و گمرکی، تعیین تکلیف اسکله‌های قاچاق، جلوگیری از رکود تولید و جلوگیری از افزایش سفته‌بازی به سبب وجود پول‌های سرگردان در بازار ندارد؛ علاوه بر آن باید به وجود تورم فزاینده ناشی از استقراض جبری از بانک‌ها، پیمای پول به بازار، عدم استقلال بانک مرکزی و از همه مهم‌تر نبود برنامه اصلاح نظام اداری و فسادزایی اشاره کرد. فسادزایی فراموش شده است. فراموشی دولت الکترونیک، مهاجرت فزاینده نخبگان و اجتماعی» برای تحت پوشش قراردادن محرومان، عدم احیای برجام، فقدان رابطه منطقی با کشورهای همسایه، نبود تعامل سازنده با همسایگان به دلیل ضعف شدید روابط خارجی، کاهش سن فساد و اعتیاد، افزایش بی‌رویه طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانوادگی، افزایش آمار خودکشی به‌خصوص در بین جوانان، مهاجرت فزاینده نخبگان و نیروهای ماهر و متخصص خاصه در حوزه پزشکی و پرستاری، نارضایتی مردم و افسردگی اجتماعی و پلاتکلینی جوانان، عدم امید به آینده و دل‌بستگی جوانان به غرب و خروج از کشور حتی برای مشاغل پایین اجتماعی و حتی تسویه‌حساب سیاسی با برخی نیروها به عنوان جعلی «باینیان وضع موجود» و... از چالش‌های جدی پیش‌روی دولت است.

◆ شما همه مشکلات و ابرچالش‌های مطرح‌شده را مربوط به دولت فعلی می‌دانید؟

من قبول دارم که همه این مشکلات مربوط به دولت فعلی نیست؛ اما وقتی ادعا می‌شود دولت هفت هزار صفحه برنامه اصلاحات اقتصادی دارد، باید بتوانند این چالش‌ها را رفع کنند؛ بنابراین تأکید می‌کنم حذف ارز ترجیحی که دولت یکباره سراغ آن رفته اولویت نیست و از میان ابرچالش‌های پیش‌رو گزینه آخر است. اگر ادعای فروش نفت واقعیت دارد پس دولت بگوید پول نفت کجاست؟ متأسفانه با این مغایرت‌ها در حرف و عمل، بزرگ‌ترین سرمایه کشور که سرمایه اجتماعی است آسیب می‌بیند. دولت باید بداند ازدست‌رفتن سرمایه اجتماعی به‌سادگی قابل ترمیم نیست. البته تصور می‌کنم آقای رئیس‌ی این موارد را بداند اما برخی پوست خریزه زیر پای او انداخته‌اند. کشور نیاز به قهرمان‌سازی ندارد. ما از رئیس‌جمهوری می‌خواهیم برنامه مدون و نقشه راه اقتصادی برای دولت تعیین کند تا مجبور نشود شب‌بخواهد و صبح برنامه‌ای غیرکارشناسانه و خطرناک را اجرا کند. ما انتظار داشتیم آقای رئیس‌ی صرفا به دلیل دادن شعار انتخاباتی حذف ارز ترجیحی دست به این کار نزند و بعد از روی‌کارآمدن و پی‌بردن به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور، تصمیمات درست و عادلانه‌ای بگیرد. در دولت با دادن شعار بی‌اساس «باینان وضع موجود» چهار هزار نفر مدیر توانمند را خانه‌نشین کردند. در واقع با این اقدام دولت خودش را خلع سلاح کرد و دست به تسویه‌حساب‌های سیاسی زد. به این شکل که هر مدیری را که در دولت قبل سرر کار بود، برگزاند کرد و چالش‌های جدی برای خودش به وجود آورد.

◆ در حذف ارز ترجیحی که منتقد آن هستید مجلس هم تأثیرگذار بود و قانون مصوب مجلس است، بنابراین گفته می‌شود دولت فقط مجری است!

دولت وقتی ارز ترجیحی را حذف کرد، در سکوت مجلس، خودش برای آن جامعه هدف تعریف کرد. برای مجلس جای تأسف دارد چراکه تعیین جامعه هدف باید به تصویب مجلس برسد، اما این اتفاق نیفتاد. طبق این جامعه هدف صراحتاً می‌گویم ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر ساقط دریافت همدفندی یارانه‌ها خواهند شد و این جمعیت چندمیلیونی

برجام فرجامی نخواهد ماند، با رفتار منفعل پزشکان ایرانی، مردم ایران در معرض یک جراحی پردرد قرار گرفتند که جسم و جانشان عمیقاً خراشید و رؤیای زندگی میلیون‌ها ایرانی سراب شد و جوانان در عوض آرزوی تشکیل زندگی، نگران سیرکردن شکم خود شدند.

تاریخ کشور مملو از این جراحی‌هاست و افسوس که هیچ چشم‌اندازی از پایان آنها وجود ندارد. آیا با این جراحی اخیر حال ملت خوب خواهد شد؟ دوران ناهفت چقدر است؟ اگر اقتصاد این ملت بیمار است که هست، آیا این بیمار حق دارد بی‌رسد که چرا بیمار شدیم؟ چه چیز باعث این مرضی است؟ آیا حق دارد از جراح خود بابت تجویزهای پیش‌همین‌کادر درمان که حال وی را بد کرده، توضیح بخواهد و بی‌رسد چرا؟ آیا آستانه تحمل بیمار را در نظر گرفته‌اید؟ اگر اصولا بیمار حاضر به جراحی نباشد و خودش بداند و مطمئن باشد که زیر جراحی خواهد مُرد و نخواهد ریسک این جراحی‌های بی‌شمار را بپذیرد، در عوض راه‌حل بهبودی خودش را

بداند و به پزشکان خودخوانده نه یک بار که صدها بار گفته باشد چه کار کنید که نه‌تنها نیاز به جراحی نباشد که حتی مریض هم نخواهد شد، آن وقت تکلیف چیست؟

از آقای حدادعادل می‌پرسم آیا اصولا تا به حال فکر کرده‌اید که ممکن است فرد اشتباه را زیر تیغ جراحی برده باشید؟! آیا مطمئن هستید که این ۹۰ میلیون آدم هستند که باید مدام زیر تیغ جراحی بروند؟ آیا برای یک بار هم که شده، لازم نیست یکی از این سیاست‌ها را که باعث بروز این جراحی‌ها شده، زیر تیغ ببرید؟ آیا یک بار شده به حرف ملت گوش دهید که تا وقتی با دنیا از سر رفاقت و دوستی برنیاییم و همچون سایر ملل در تعامل و همکاری بین‌المللی قرار نگیریم، اوضاع هیچ‌وقت خوب نخواهد شد. حرف مردم این است که قرار بود دولت کوچک شود، اما نه‌تنها نشد که همه تصمیمات ریز و درشت اقتصاد ایران در دست دولت قرار گرفت و بخش خصوصی سرمایه‌های خود را در سرزمینی به خدمت گرفت که



عکس خانه ملت

این اقتصاد باز و لیبرالی است. البته این دولت خودش را جدای از اقتصاد لیبرالی و آزاد می‌داند؛ اما به آن عمل می‌کند و این تناقض اصلا خوب نیست. اقتصاد آزاد بد نیست؛ اما تا زمانی که «نظام تأمین اجتماعی» ایجاد نکرده‌اید و فقیر، بدسرپرست، معلول، جامانده، سالخورده، بازنشسته و رهاشده در کشور وجود دارند، به نتیجه خوب و موفقی نمی‌رسید. نظام تأمین اجتماعی آلمان را بشخصه مطالعه کرده‌ام. در آلمان هیچ کسی «رها» شده نیست و نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که بگوید هیچ درآمدی ندارم. نظام تأمین اجتماعی ما اگر درست شود و همه محرومان، مستضعفان، فقرا، نقصان‌های اجتماعی، یتیمان، سالخوردگان و بیماران صعب‌العلاج و... را تحت پوشش قرار دهد، اگر یارانه‌ها هم قطع شوند، هیچ ایرادی ندارد؛ اما مسئولان نظام تأمین اجتماعی را شکل نداده، منابع سرگردان زیادی رها شده و نظام بانکی را اصلاح نکرده‌اند، حالا از عدالت حرف می‌زنند و از طرفی ارز ترجیحی را حذف کرده‌اند. اینکه بار را به دوش مردم بیندازد که هنر نیست!

◆ با حذف ارز ترجیحی، دولت هم از کسری بودجه رها می‌شود، هم تصمیم‌گرفته یارانه‌ها را مستقیم به مردم بدهد، چرا این امر را اشتباه می‌پندارید؟

دولت با این کار بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای خودش درآمدزایی کرده؛ اما درنهایت فشار به مردم تحمیل خواهد شد. هدفمندی یارانه‌هایی که در سال ۱۳۸۹ تصویب شد، آن زمان دلال هزارود هزارود تومان بود و ۴۵هزارو ۵۰۰ تومان معادل ۴۱ دلار و ۳۷ سنت برای هر نفر در نظر گرفته شد. اگر آن رقم را بخواهیم امروز بپردازیم، باید دولت معادل یک‌میلیون و ۲۶۰ هزار تومان به جای ۴۵هزارو ۵۰۰ تومان به هر نفر بدهد، نه ۳۰۰ هزار تومان؛ متأسفانه دراین‌باره هم شفافیت وجود ندارد. اگر دولت می‌خواهد نرخ خرید آن روز مردم را برگرداند، باید آن رقم را براساس تورن برای مصرف شرب رسیده است، ارقام روزافزون واردات محصولات اساسی نیز چشم‌انداز روشن و نزدیکی را نوید نمی‌دهند، واردات هشت میلیارد دلاری محصولات اساسی و ۱۶ میلیون تنی علوفه (تنها نیمی از آن را ذرت تشکیل می‌دهد)، وابستگی ۹۰ درصد به واردات روغن و دانه‌های روغنی، ۴۰ درصد بنرج و کدو، ۱۰ درصد جو، ۲۰ درصد گوشت قرمز و... نیاز به وام‌های عظیم از جرابی‌ها در این خصوص دارد. جالب آنجاست که به موازات روند وابستگی به واردات مواد غذایی پایه، شاهد سالانه دو میلیارد تن فرسایش خاک در سال هستیم. تنها در خلال پنج دهه اخیر دو میلیون هکتار اراضی مرغوب کشاورزی تغییر کاربری داده شده و نیمی از ۱۸ میلیون هکتار اراضی جنگلی دستخوش تخریب قرار گرفته‌اند. در مروری از برنامه کار روزاری پیشین بخش کشاورزی که به موازات روند روزافزون وابستگی به واردات محصولات اساسی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر به منابع تولید صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که دستیابی به خودکفایی این محصولات در چند سال آینده تنها در قالب کلیشه‌های تکراری پیشین است. همان‌طور که اشاره شد وعده‌های شتاب‌زده و احساسی که خودکفایی‌های شکننده را جایگزین راهبرد بهره‌وری پایدار می‌کند، بر نگرانی‌ها می‌افزاید.

تمرکز ناپایدارانه برای افزایش کمی در شرایط کنونی در هر محصولی (مانند خودکفایی شکننده گندم) ضمن آنکه به کاهش تولید دیگر محصولات کلیدی می‌انجامد بر منابع در حال زوال تولید نیز آسیب‌های برگشت‌ناپذیر وارد می‌کند، آسیب‌هایی که هزینه آن را آیندگانی می‌پردازند که هنوز به دنیا نیامده‌اند.

یادداشت

بهره‌وری پایدار به جای خودکفایی شکننده



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگر کشاورزی

آیت‌الله رئیسی در جلسه اخیر هیئت دولت در سخنانی تأکید کردند که خودکفایی در کالا‌های اساسی موضوعی راهبردی است و گفتند: جهاد کشاورزی با همکاری دیگر نهاده‌ها و با جمله مراکز علمی و دانش‌بنیان برنامه‌ریزی کند تا کشور در کوتاه‌ترین زمان ممکن در تولید کالا‌های اساسی به خودکفایی برسد. وی افزود که تولید یک مسئله اساسی و زیربنایی است و با تقویت تولید داخلی باید ظرف چند سال آینده و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خودکفایی برسیم تا نیا‌م‌زند دیگر کشورها نباشیم.

سخنان رئیس دولت سیزدهم در دستیابی به خودکفایی محصولات اساسی و آن‌هم تنها ظرف چند سال آینده و با قید «باید» موجب شگفتی و چه‌بسا نگرانی در آگاهان این حوزه می‌شود. از رئیس دستگاه اجرایی به لحاظ عدم آشنایی با پیش‌نیازهای توسعه پایدار کشاورزی و در اقلیم گرم کشورمان البته توقعی نیست. اما از متولی کنونی این بخش انتظار می‌رود که در تأکید بر صداقت حرف‌های و سوادکشی به برای احراز این وظیفه ملی یاد کرده‌اند مشاوری واقع‌گرا برای رئیس دولت باشند. اگر این متولی تنها برنامه کار ۹ وزیر پیشین خود را مرور می‌کرد، قطعا برای ارائه چنین چشم‌انداز نزدیکی و آن‌هم در شرایطی که بیش از هر زمان به فروریختن دیوار بی‌اعتمادی بین مردم و مسئولان نیاز است، تردید می‌کرد. برنامه‌هایی که در تمامی آنها تأکید بر خودکفایی در محصولات اساسی به چشم می‌خورد. آیا بهتر نبود در چنین چشم‌اندازی، به دلایلی که هیچ‌یک از ۹ وزیر پیشین در نیل به اهداف برنامه‌های خود موفق نبوده و حتی بعضا به نتایجی کمتر رسیدند، اشاره می‌شد؟ از لقمان حکیم نقل است که روزی مردی ناآشنا از وی پرسید چه زمانی به مقصد می‌رسد؟ لقمان در پاسخ گفت اندکی راه برو تا با ارزبایی سرعت رفتن بتوانم پیش‌بینی کنم. اکنون هم بایستی از متولی بخش کشاورزی کشور پرسید در این مدت و با این سرعت که راه را پیمودید سخن‌گفتن از خودکفایی بسیار دورتر از از واقعیت‌هاست. آیا نقشه راه متفاوت و زمان‌بندی‌شده‌ای را تدوین کرده و تدارک دیده یا به سفره‌های تهی‌شده رو و زیر زمینی آب افزوده‌اید؟ آیا در ساختار فربه و کم‌تحرك دستگاه تحت مدیریت خود اندک اصلاح و دگرگونی ایجاد کرده‌اید؟ یا اینکه با زینت‌دادن واژه دانش‌بنیان به وعده‌هایمان به آن وجهات می‌دهیم. وعده‌هایی که عدداً کلی‌گویی بوده و مستلزم ارائه برنامه اجرایی زمان‌بندی‌شده بر اساس ظرفیت‌های موجود است.

در حال حاضر که به سیاست‌های افزایش جمعیت تأکید کرده و کاهش منابع آب در بعضی نقاط کشور به مرحله نیاز برای مصرف شرب رسیده است، ارقام روزافزون واردات محصولات اساسی نیز چشم‌انداز روشن و نزدیکی را نوید نمی‌دهند، واردات هشت میلیارد دلاری محصولات اساسی و ۱۶ میلیون تنی علوفه (تنها نیمی از آن را ذرت تشکیل می‌دهد)، وابستگی ۹۰ درصد به واردات روغن و دانه‌های روغنی، ۴۰ درصد بنرج و کدو، ۱۰ درصد جو، ۲۰ درصد گوشت قرمز و... نیاز به وام‌های عظیم از جرابی‌ها در این خصوص دارد. جالب آنجاست که به موازات روند وابستگی به واردات مواد غذایی پایه، شاهد سالانه دو میلیارد تن فرسایش خاک در سال هستیم. تنها در خلال پنج دهه اخیر دو میلیون هکتار اراضی مرغوب کشاورزی تغییر کاربری داده شده و نیمی از ۱۸ میلیون هکتار اراضی جنگلی دستخوش تخریب قرار گرفته‌اند. در مروری از برنامه کار روزاری پیشین بخش کشاورزی که به موازات روند روزافزون وابستگی به واردات محصولات اساسی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر به منابع تولید صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که دستیابی به خودکفایی این محصولات در چند سال آینده تنها در قالب کلیشه‌های تکراری پیشین است. همان‌طور که اشاره شد وعده‌های شتاب‌زده و احساسی که خودکفایی‌های شکننده را جایگزین راهبرد بهره‌وری پایدار می‌کند، بر نگرانی‌ها می‌افزاید. تمرکز ناپایدارانه برای افزایش کمی در شرایط کنونی در هر محصولی (مانند خودکفایی شکننده گندم) ضمن آنکه به کاهش تولید دیگر محصولات کلیدی می‌انجامد بر منابع در حال زوال تولید نیز آسیب‌های برگشت‌ناپذیر وارد می‌کند، آسیب‌هایی که هزینه آن را آیندگانی می‌پردازند که هنوز به دنیا نیامده‌اند.